[redacted] S CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 11803 Date of filing: 16/5/90

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of Mr Holtzmann
- Date 16 May 90
_____ pages in English 9 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
_____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

SEPARATE OPINION

Case No. 11803

Chamber One

پرونده شماره ۱۱۸۰۳

شعبه یک

حکم شماره - ۱-۱۱۸۰۳-۴۷۶

DUPLICATE ORIGINAL

«نسخه برابر اصل»

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL — دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

FILED — ثبت شد

DATE 16 MAY 1990 — ۱۳۶۹/۲/۲۶ — تاریخ

دانلد دبلیو. دیوید،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط

ایالات متحده امریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

English version Filed on 19 MAR 1990 — ۱۳۶۸/۱۲/۲۸ نسخهٔ انگلیسی در تاریخ ثبت شده است.

نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن

۱ - پرونده حاضر مشتمل بر دو ادعای جداگانه است. یکی از دو ادعا بابت دریافت ارزش اموالی است که خواهان حسب ادعا به دلیل اخراج غیرقانونی از ایران از دست داده است. من با رد این ادعا موافقم. ادعای دیگر که بابت از دست دادن حقوق است، نمونه یکی از وضعیتهایی است که در آن، داوران راجع به اعتبار شهود و استنتاجات حاصل از اوضاع و احوال پیرامون ادعا، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در حکم صادره، ادعای حقوق از دست رفته مردود شمرده شده است. اما به نظر من ادعا قابل قبول می‌بود. لذا برای توضیح دلایل خود، به نوشتن این نظر جداگانه می‌پردازم.

۲ - خواهان پرونده حاضر یک تکنیسین موتور هواپیماست که چکهای مربوط به حقوق و مزایای آخرین دو ماه قراردادش را از کارفرمای خود، یعنی صنایع هواپیمایی ایران ("صنایع هواپیمایی") دریافت نکرد. نظر من اینست که خواهان اثبات کرده است که صنایع هواپیمایی به وی قول داده بوده که حقوق و مزایای متعلقه را به وی بپردازد. درست است که قرارداد استخدامی خواهان حاوی شرطی بوده که ویرا ملزم می‌کرده ظرف ۶۰ روز پس از خاتمه خدمت "هرگونه حقوق مورد مطالبه خود" را به صنایع هواپیمایی اطلاع دهد، و اختلافی نیست که خواهان چنین اطلاعیه‌ای را تسلیم نکرده است. اما تحت اوضاع و احوال پرونده حاضر، شرط یاد شده نبایستی مانع از پرداخت حقوق متعلقه باشد، زیرا رفتار خود صنایع هواپیمایی در دادن وعده پرداخت حقوق متعلقه باعث شد که کارکنان تصور کنند که لزومی به تسلیم اطلاعیه به صنایع هواپیمایی برای وصول وجه نیست. مقایسه شود با حکم شماره ۳-۱۰۲۷۳-۳۹۹ مورخ نهم آبان‌ماه ۱۳۶۷ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۸] در پرونده هیده موتوشینتو و جمهوری اسلامی ایران بند ۳۸، (منتشره در 19 Iran-U.S. C.T.R. 321, 331) (ادعای مبتنی بر قول کارفرما به پرداخت وجه، جایگزین حق قراردادی کارمند شد و قید تسلیم اطلاعیه ۶۰ روزه را بی‌اثر ساخت). بنابراین، صنایع هواپیمایی اکنون از استناد به عدم تسلیم اطلاعیه توسط خواهان در مورد مطالباتش، به عنوان دلیل عدم اجرای وعده خود به پرداخت این مبالغ، قانونا" ممنوع می‌باشد.

۳ - در حکم ذکر شده است که "شرط مرور زمان که در قرارداد مقرر شده باشد معمولا" قابل اجراست"، مگر آنکه کیفیات [خاصی] وجود داشته باشد که "عدول از این اصل [را] موجه" سازد. (بند ۱۹ حکم). از نظر من، اعراض صنایع هواپیمایی (از شرط تسلیم اطلاعیه) در حکم چنین "اوضاع و احوال خاصی" است. بررسی مشروح این اوضاع و احوال در زیر آمده است.

۴ - قرارداد [استخدامی] خواهان مقرر می‌داشت که مدت استخدام وی ۱۸ ماه، یعنی تا ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] خواهد بود. واقعیت اساسی که در پرونده حاضر باید مورد توجه واقع شود، اینست که آخرین ماههای خدمت خواهان با اوضاع و احوال بسیار غیرعادی ناشی از انقلاب اسلامی مقارن گردید. دو ماه قبل از موعد انقضای قرارداد، صنایع هواپیمایی دیگر چکهای حقوق را برخلاف گذشته هر ماه دوبار صادر نکرد، زیرا مقامات دولتی مربوط اجازه پرداخت صادر نمی‌کردند.(۱) به علاوه، در پنج هفته آخر قرارداد خواهان، صنایع هواپیمایی به کارکنان خارجی شاغل در کارخانه دستور داد که به دلیل تهدیدات جانی سر خدمت حاضر نشوند. با توجه به این وقفه در صدور چکها توسط صنایع هواپیمایی و تعطیل شدن کارخانه شرکت، به وضوح این خطر وجود داشت که تکنیسین‌هایی که صنایع هواپیمایی از خارج استخدام کرده بود، تصمیم به خروج از ایران بگیرند. بدینسان، طبق شهادت نامه‌های خواهان و یکی از همکارانش، صنایع هواپیمایی به طور مرتب به تکنیسینهای خارجی اطمینان می‌داد که پرداخت حقوق آنها طبق قرارداد کماکان انجام خواهد شد.

۵ - خواهان برای مثال می‌گوید که هنگامی که صنایع هواپیمایی برای اولین‌بار اعلام کرد که بابت نیمه دوم ماه دسامبر ۱۹۷۸، چک حقوق در موعد معمول صادر نخواهد شد، "مقامات صنایع هواپیمایی ... به کارمندان اطمینان دادند که وقتی امور اداری به جریان عادی خود افتاد، حقوق کارکنان تمام و کمال پرداخت خواهد شد". در اوایل سال ۱۹۷۹ که خواهان بعد از تعطیلات عید میلاد مسیح به ایران بازگشت، اطلاع یافت که "در زمانیکه وی در مرخصی بود، سرپرست وی آقای مقصودی به کارگران دستور داده بود که تا امن و امان شدن اوضاع، سر کار حاضر نشوند".

---

۱ - خواهان فقط یک فقره چک حقوق طی دو ماه آخر قراردادش دریافت کرد که آنهم چند هفته تاءخیر داشت.

هنگام اعلام این مطلب، همکار خواهان، یعنی آقای براین وایت، در انبار سوخت کارخانه کار می‌کرد. وی در شهادتنامه خود می‌گوید که "آقای مسعودی ... به ما اطمینان داد که حقوق خود را تمام و کمال دریافت خواهیم نمود و اضافه کرد که پس از فرونشستن آشوب و امکان‌پذیر شدن مراجعت به کار، در واقع افزایش حقوق نیز به ما تعلق خواهد گرفت".

۶ - همانطور که در حکم آمده، خواهان اظهار داشته است که طی دو هفته و نیم اول ماه فوریه ۱۹۷۹، "وی و بسیاری دیگر از کارمندان امریکایی شخصا" هر روز به دفاتر صنایع هواپیمایی که به فرودگاه مهرآباد منتقل شده بود مراجعه می‌کردند تا معلوم شود آیا کاری وجود دارد یا خیر". (بند ۴ حکم). به نظر من، توجه به این اظهار دیگر خواهان نیز مهم است که در مواقعی که وی و سایر همکارانش به دفاتر صنایع هواپیمایی مراجعه می‌کردند،

> "بعضی اوقات یکی از مقامات در اتاقی که کارمندان امریکایی گرد آمده بودند وارد می‌شد و به ما می‌گفت که ... باز فردا به آنجا سربزنیم شاید خبر تازه‌ای وجود داشته باشد. با اینکه مقامات صنایع هواپیمایی در واقع اطلاعات چندانی در اختیار ما نمی‌گذاشتند ولی در تمام اوقات به ما اطمینان می‌دادند که به محض اینکه امور اداری سامان پیدا کند ... حقوق ما تمام و کمال به ما پرداخت خواهد گردید.

۷ - سرانجام در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹]، مقامات صنایع هواپیمایی به خواهان و "قریب پنجاه تن" از همکارانش که در آن روز همراه وی در اداره صنایع هواپیمایی در فرودگاه مهرآباد گرد آمده بودند، اطلاع دادند که انبار سوخت دیگر باز نخواهد شد و لذا به خدمت آنان خاتمه داده می‌شود و آنان باید هر چه زودتر به ایالات متحده بازگردند. خواهان اظهار می‌دارد که در آن روز، "مقامات مزبور یکبار دیگر، مانند گذشته به کارمندان اطمینان دادند که حقوق آنها تمام و کمال پرداخت خواهد شد، مقامات مزبور اضافه کردند که سوابق کار کلیه کارمندان را در

اختیار دارند و چک حقوق آنها را تا ۲۸ بهمن‌ماه [۱۷ فوریه] به نشانی کشورشان خواهند فرستاد". در واقع نیز صنایع هواپیمایی، آخرالامر یک فقره چک برای خواهان فرستاد، لکن به مبلغی بسیار کمتر از آنچه که خواهان طلبکار بود.

۸ - همکار خواهان، آقای وایت در روز ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] در دفتر صنایع هواپیمایی در فرودگاه مهرآباد حضور نداشت. بنابراین، خبر خاتمه خدمت آقای وایت با تلفنی که به آپارتمان محل سکونت او در تهران شد به اطلاع وی رسید. آقای وایت در شهادت نامه خود اظهار می‌دارد که: "... این مرتبه، مقامات صنایع هواپیمایی به من اطمینان دادند که تمام مطالبات خود را تلگرافی دریافت خواهم نمود".

۹ - بدینسان، خواهان و آقای وایت، هریک مستقلا" مواردی را به خاطر می آورند که کارفرمای آنان وعده پرداخت مبالغ متعلقه را به ایشان داده بود. با توجه به این سوابق قابل ملاحظه راجع به نحوه عمل صنایع هواپیمایی، من نمی‌توانم این نتیجه‌گیری حکم را قبول کنم که "خواهان دلایل قانع کننده‌ای ارائه نداده که نشان دهد صنایع هواپیمایی ... به وی وعده داده بوده مبالغ مشخصی را که در اینجا ادعا شده به وی خواهد پرداخت ..." (بند ۲۱ حکم).

۱۰ - اظهاریه به قید سوگند خواهان نه فقط به تنهایی قانع کننده است، بلکه قراین و اماراتی نیز آن را تائید می‌کنند. این واقعیت که عده قابل ملاحظه‌ای کارمند امریکایی صنایع هواپیمایی در تهران ماندند و بسیاری از آنان هر روز مسیر دشواری را تا دفتر فرودگاه مهرآباد طی می‌کردند، خود دلیل قانع کننده‌ای است براینکه صنایع هواپیمایی به کارکنان خود قول داده بوده که ایشان کماکان حقوق خود را دریافت خواهند کرد. محل شک و تردید است که این عده کثیر از کارکنان چنانچه بدانها اطمینان داده نشده بود که حقوقشان به طور کامل پرداخت خواهد شد، مشقت

زندگی در ایران را در طول دوران انقلاب برخود هموار می‌کردند. همینطور، شایان توجه است که آقای وایت کارمند خارجی‌ای که در شهادتنامه خود، بازگویی خواهان را از اقدامات صنایع هواپیمایی تائید می‌کند، تبعه انگلیس است. نامبرده به دلیل تابعیت خود هیچ ادعایی در دیوان اقامه نکرده است و لذا نفعی در تحریف رویدادهایی که به وقوع پیوسته بود، ندارد.

۱۱ - حکم تلویحا" می‌گوید که عمل خواهان در تعبیر وعده صنایع هواپیمایی به پرداخت حقوق به عنوان انصراف [از شرط قراردادی] غیرمعقول بوده، زیرا یک کارمند دیگر صنایع هواپیمایی که ادعای وی قبلا" در دیوان مورد رسیدگی واقع شده، الزام قراردادی تسلیم اطلاعیه را رعایت کرده بود. بنگرید به : حکم شماره ۳-۱۰۳۳۵-۲۳۳ مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳٦۵ [هشتم مه ۱۹۸٦] در پرونده تئودور لاث و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 11 Iran-U.S. C.T.R. 150). اما این دو پرونده از بعضی جهات اساسی با یکدیگر متفاوت هستند. خواهان پرونده لاث در صنایع هواپیمایی یک شغل دفتری داشت نه فنی و در اداره‌ای کار می‌کرد که در جایی غیر از انبار سوخت، یعنی محل خدمت خواهان پرونده حاضر، واقع بود. آقای لاث هرگز ادعا نکرد که مقامات صنایع هواپیمایی مشخصا" به وی گفته باشند که حقوق و مزایای متعلقه را به وی پرداخت خواهند کرد. همینطور به نظر نمی آید که هیچگاه صراحتا" به آقای لاث گفته شده باشد که کار وی خاتمه یافته است. به عکس، آقای لاث اوراق خاتمه خدمت را در اداره مرکزی صنایع هواپیمایی امضاء و به طور همزمان نامه‌ای مبنی بر اعلام استعفای خود تسلیم کرد. نامبرده در یک نامه بعدی این مطلب را مجددا" اظهار داشت که "من مجبورم قرارداد استخدامی خود را ... فسخ نمایم" و تقاضا کرد که "کلیه پرداختها، حقوق، پاداش‌ها، کمک هزینه زندگی، و هزینه سفر هوایی ... توسط [صنایع هواپیمایی] به من پرداخت گردد". حکم صادره در پرونده لاث ، مذکور در بالا بند ۱۲. (منتشره در 11 Iran-U.S. C.T.R. 154). جای تعجب نیست که کارمندی در چنین اوضاع و

احوال - یعنی در وضعیتی که کارمند اعلام استعفا می‌کند و قول صریحی نیز به وی داده نشده که مبالغ متعلقه به وی پرداخت خواهد شد - در استعفاء نامه خود مطالبه حقوق کند. لکن این واقعیت که کارمند مزبور بدین نحو عمل کرد، مطلقاً هیچ تأثیری بر این مسأله ندارد که آیا خواهان پرونده حاضر منطقاً به وعده صنایع هواپیمایی به پرداخت حقوق اتکاء کرد و لذا از تسلیم درخواست کتبی مشابهی معذور بود، یا خیر؟

۱۲ - حکم همچنین از دو واقعیت دیگر موجود در این پرونده به زیان خواهان نتیجه‌گیری می‌کند. هیچیک از این استنتاجات را پرونده امر تأیید نمی‌نماید. اولاً در حکم ذکر شده است که پس از انقضای مهلت ۶۰ روزه اطلاعیه در قرارداد، خواهان بازهم اطلاعیه‌ای در مورد مطالباتش به صنایع هواپیمایی تسلیم نکرد. حکم از این سکوت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که ادعای پرونده حاضر را خواهان بعداً ساخته و پرداخته است. اما رفتار خواهان دلایل دیگری دارد که استنتاج منفی حکم را رد می‌کند.

۱۳ - اولاً در طول چند ماه بعد از عزیمت خواهان از ایران، وضع کشور همچنان بی‌ثبات بود. بنابراین بی‌سبب نبود که یک کارمند سابق صنایع هواپیمایی تصور کند که شرکت هنوز قادر به پرداخت حقوق نیست. در چنین اوضاع و احوالی، خواهان با علم به اینکه دیگر امکان تسلیم اطلاعیه ۶۰ روزه طبق قرارداد وجود نداشت، کماکان به وعده صنایع هواپیمایی مبنی بر پرداخت وجه به وی اتکا می‌کرد. (اتکاء خواهان به این وعده تا حدودی قابل توجیه بود، زیرا که صنایع هواپیمایی در فوریه ۱۹۸۱، یعنی دو سال تمام بعد از خاتمه خدمت خواهان، بخشی از مبلغی را که به وی بدهکار بود پرداخت). بالاخره، پس از آنکه به دنبال بحران گروگانگیری، روابط بین ایالات متحده و ایران وخیم‌تر شد، ارسال نامه توسط خواهان به کارفرمای سابقش بابت مطالبات خود کاری بی‌ثمری می‌بود. غیرمحتمل بود که در آن زمان

وزارت دفاع ایران (که صنایع هواپیمایی جزیی از آن بود) وجهی به یکنفر تبعه امریکا بپردازد.

۱۴ - استنتاج منفی دوم حکم نیز به همان اندازه بی‌اساس است. در حکم اظهار شده است که پس از آنکه خواهان در فوریه ۱۹۸۱ چکی به مبلغ ۲،۹۹۷/- دلار امریکا دریافت کرد، "به صنایع هواپیمایی اطلاع نداد که این مبلغ شامل تمامی مبلغ مورد ادعای وی نیست". (بند ۲۲ حکم) در اینجا نیز حکم تلویحا" می‌گوید که این سکوت، صحت ادعایی را که در اینجا اقامه شده است خدشه‌دار می‌کند. هیچ مبنایی برای یک چنین نتیجه‌گیری به زیان [خواهان] وجود ندارد، زیرا تا تاریخی که خواهان بخشی از طلب خود را در فوریه ۱۹۸۱ از صنایع هواپیمایی دریافت کرد، ایالات متحده و ایران به موافقت نامه‌های الجزیره که دیوان داوری به موجب آنها تاءسیس شد، پیوسته بودند. بدینسان، در فوریه ۱۹۸۱ خواهان می‌دانست که مرجع رسیدگی ویژه‌ای برای حل و فصل ادعایی نظیر ادعای وی تاءسیس شده است. با توجه به این روادید مهم، نمی‌توان به زیان خواهان نتیجه‌گیری کرد که چرا وی بجای پیگیری مطالبات خود از طریق مکاتبه با وزارت دفاع در تهران تصمیم، به اقامه ادعا در این دیوان گرفته است.

۱۵ - به‌طور خلاصه، من بر این نظرم که برای شهادتنامه خواهان و همکار وی باید اعتبار قایل شد. حکم به هیچ واقعیت دیگری اشاره نمی‌کند که اظهارات خواهان یا آقای وایت را خدشه‌دار کند و یا اعتبار هر یک از دو شاهد را در معرض تردید قرار دهد. بنابراین، دیوان باید نتیجه گیرد که صنایع هواپیمایی به تکنیسین‌های خارجی‌اش وعده داده بود که حقوق آنها پرداخت خواهد شد و با این وعده، از الزام قراردادی تسلیم اطلاعیه اعراض کرد. به نظر من، حقوق پرداخت نشده، پاداش خاتمه خدمت، کرایه بلیط هواپیما، حقوق مرخصی استعلاجی استفاده نشده و هزینه انبارداری که طبق قرارداد به طور مسلم به خواهان تعلق می‌گرفته، بایستی

به نفع خواهان مورد حکم واقع می‌شد. البته من تقاضای خواهان را برای دریافت غرامت اموال از دست رفته که بر تئوری اخراج غیرقانونی مبتنی است، نمی‌پذیرم و با نظر اعلام شده در حکم موافقم که "تصمیم خواهان به ترک ایران عمدتا" متاءثر از انقضای قرارداد استخدامی وی در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۷ فوریه ۱۹۷۹] بوده است." (بند ۲۴ حکم). بنابراین، من با بخش چهارم - ب حکم در رد ادعای اخراج غیرقانونی موافقم.

لاهه به تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۸ برابر با ۱۹ مارس ۱۹۹۰

هوارد ام. هولتزمن